

خبر ادبی

تقدیر از داوود غفارزادگان و احمد دهقان

به گزارش ایسنا بر اساس خبر رسیده، این مراسم که در سرای اهل قلم سی‌امین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران برگزار شد، حمیدرضا شاه‌آبادی، نویسنده، مهدی فرزلی، مدیرعامل بنیاد شعر و ادبیات داستانی و احمد دهقان نویسنده و مدرس بنیاد سخنان کوتاهی بیان کردند.

حمیدرضا شاه‌آبادی در این مراسم گفت: احمد دهقان و داوود غفارزادگان، تجربه‌های زیستی فوق‌العاده‌ای داشته‌اند و استاد خوب دیدن پیرامون خود هستند.

این نویسنده و مدیرعامل انتشارات مدرسه با بیان این مطلب پرسشی را با ادب‌جویان هفتمین دوره آل‌جلال در میان گذاشت و پرسید: آیا داستان‌نویس شدن غریزی است یا اکتسابی و آموختنی؟ او در ادامه اظهار کرد: هر دو نظریه طرفدارانی دارد. برخی معتقدند داستان‌نویسی، استعدادی ذاتی است و در مقابل، برخی بر این باورند که مانند فنون دیگر کاملاً آموزش‌پذیر است.

نویسنده کتاب «لالایی برای دختر مرده» و «دیلماج» آن‌گاه خودش به این سؤال پاسخ داد و گفت: جواب من به این پرسش، چیزی بینابین است. فنون داستان‌نویسی را می‌توان آموخت و ملکه ذهن کرد؛ چرا که با خواندن آثار خوب، قالب داستان در ذهن شکل می‌گیرد، اما چیزهایی هست که نمی‌توان آموخت.

در این مراسم که با تجلیل ادب‌جویان هفتمین دوره آل‌جلال و بنیاد شعر و ادبیات داستانی از احمد دهقان و داوود غفارزادگان همراه بود، استاد کارگاه رمان‌نویسی بنیاد مورد تشویق شاگردانش قرار گرفت.

احمد دهقان هنگامی که در جایگاه قرار گرفت، به گفتن این جمله بسنده کرد که «امروز فقط به احترام و افتخار داوود غفارزادگان اینجا هستیم و آرزوی موفقیت و بزرگی روزافزون برای ایشان دارم.»

داوود غفارزادگان، مدرس کارگاه داستان کوتاه بنیاد شعر و ادبیات داستانی که داستان‌های کتاب «قرار ساعت ۲۲» با نظارت او نوشته و چاپ شده است، به دلیل ترفیق شدید منتهی به محل برگزاری نمایشگاه کتاب و همچنین باران و سیلاب روز جمعه به این مراسم نرسید.



«مارکس و عروسک» برنده جایزه «گنگور» فرانسه شد

بالاترین جایزه ادبی فرانسه، «گنگور» به رمان «مارکس و عروسک» Marxetlapoupé نوشته‌میریم‌مجیدی‌اهداشد؛ این نخستین رمان‌وی است.

مریم‌مجیدی در این رمانش داستان رمان‌نویسی را روایت می‌کند که به فرانسه مهاجرت و به شیوه رفت و برگشت ذهنی میان تهران و پاریس به دنبال هویت اصلی‌اش می‌گردد.

سال گذشته، جوزف آندراس جایزه گنگور را برای نخستین رمان خود دریافت کرده بود.

جایزه گنگور Prix Goncourt جایزه‌ای است که در پی وصیت ادموند دو گنگور به سال ۱۸۹۶ بنیان گذاشته شد. مجمع ادبی گنگور به طور رسمی در سال ۱۹۰۲ میلادی تأسیس و نخستین دوره جایزه در روز ۲۱ دسامبر سال ۱۹۰۳ اعطا شد.

جایزه گنگور هر ساله نصیب «بهترین کتاب داستانی» می‌شود که طی «همان سال» منتشر شده باشد. بیشتر اوقات جایزه گنگور به یک رمان اعطا می‌شود.

هر نویسنده در زندگی ادبی خود تنها یک بار برنده این جایزه می‌شود، در این میان رومن گاری یک استثناء است: او یک بار در سال ۱۹۵۶ برای رمان «ریشه‌های آسمان» و یک بار در سال ۱۹۷۵ بابت رمان «زندگی در برابر خود شش‌پایه» و با نام مستعار امیل آزار برنده شد.

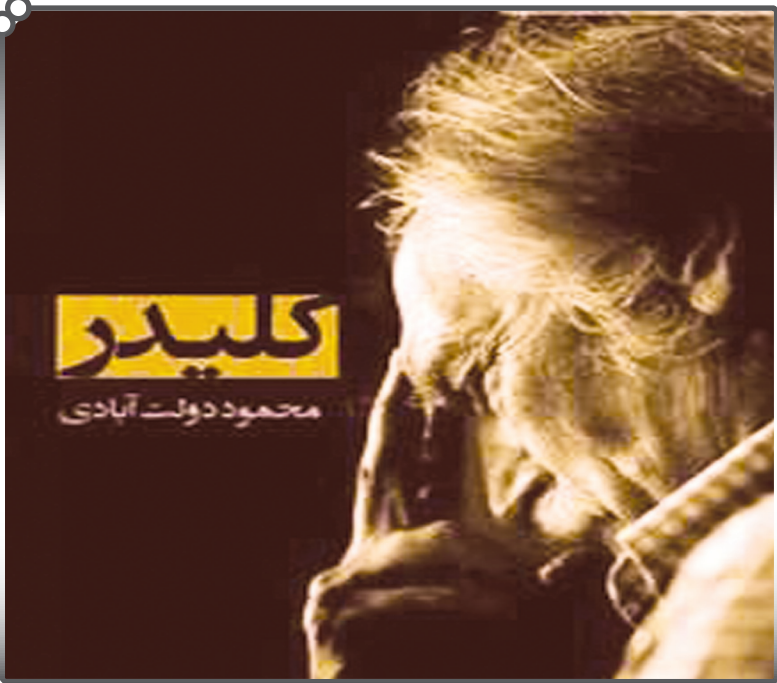
نغمه

از مجموعه شعر «مرد لاهوردی»

آثر صدف درفشان

حرف عجیبی ست!
شروع شناسنامه زنی
که صبح
دست‌هایش را به ماهی‌ها می‌دهد
و شب
انگشت‌هایش را پس می‌گیرد
زنی
که چشم‌هایش آن‌قدر در خنز زایمان کرده
تا تمام زایشگاه‌های شهر را
به نام او بزند
حرف عجیبی ست! که هزار و سیصد و پنجاه و سه بار هم که
بخوانی
باز هم بوی دریا می‌دهد
دریایی که در حسرت یک عروس دریایی
مرغان دریایی زیادی را عروس کرده است

کلیدر، تنها رمان بزرگ ایرانی



«مهدی طوسی» واداشته‌است.

کلیدر نام کوهی مابین شهرهای سبزوار، نیشابور، و قوچان در خراسان است. دولت‌آبادی رمان کلیدر را بر اساس داستان واقعی گل‌محمد نوشته‌است.

خلاصه داستان

مزارل، دختر جوان کرد، اسبش را به سه سوی زندان شهر می‌تازاند تا پدر و نامزدش، دلاور، را که هر دو در حبس‌اند ملاقات کند. شخصیت‌های اصلی داستان همگی به هنگام دیدار مازال از زندان شهر و بازگشت به نزد عمه‌اش، بلقیس، معرفی می‌شوند. بلقیس و شوهرش، کلمبیشی، سه پسر و یک دختر به نام‌های خان‌محمد، گل‌محمد، بیگ‌محمد، و شیرو دارند. خشک‌سالی شدید امراض معاش این خانواده را که غالباً متکی بر چوپانی است، دشوار کرده و آنان را به دیمی‌کاری که محصول و سود قابل توجهی ندارد

می‌سوزاند. گل‌محمد دستگیر و زندانی می‌شود، اما سرانجام به کمک ستار از زندان می‌گریزد. ستار فعال سیاسی و عضو حزب توده است که در منطقه زیر پوشش یک پینه‌دوز به فعالیت سیاسی می‌پردازد و در رؤیاهایش گل‌محمد را رهبر آینده و بالقوه قیام‌مردمی ایران می‌بیند. گل‌محمد پس از فرار به‌ناچار زندگی مخفیانه‌ای را پیش می‌گیرد.

گل‌محمد و یارانش به جنگ با ارباب‌ها و خان‌ها که دهقانان فقیر و عشایر را مطیع خود کرده‌اند و از آن‌ها سوءاستفاده می‌کنند می‌پردازند. افسانه‌ها پیرامون گل‌محمد و یاران مسلحش به‌سرعت در سرتاسر منطقه می‌پیچد و گل‌محمد که اندک‌اندک به چهره‌ای محبوب نزد مردم تبدیل می‌شود، در نقش قهرمان آنان ظاهر می‌شود.

برای گل‌محمد دشواری‌ها تازه شروع شده‌است، دلشوره حفظ قهرمانی مشکل‌تر از قهرمان‌شدن است. فشارهای روانی گل‌محمد را غرق در تردید، سراسیمگی، سردگمی، و تشویش درونی می‌کند.

گل‌محمد احساس می‌کند که به آخر خط رسیده و پایان کارش نزدیک است. با تلاش نافرجام یکی از اعضای حزب توده برای ترور محمدرضا پهلوی، آخرین شاه ایران، ورق برمی‌گردد. حزب توده به محاق سیاسی فرومی‌رود و از هرگونه فعالیت رسمی منع می‌شود. اوضاع سیاسی جامعه دستخوش تغییراتی بنیادین می‌شود و دهقانان رنج‌کشیده‌ای که روزی برای ایستادگی در برابر اربابان زرگرو هم‌قسم شده بودند، یکی پس از دیگری شانه خالی می‌کنند. اربابان و مقامات حکومتی در نهایت موفق می‌شوند تا ناآرامی‌ها و شورش‌ها را بخوابانند و رمان کلیدر با کشته‌شدن گل‌محمد و تقریباً تمامی کسانی که به نحوی با خانواده کلمبیشی مرتبط بودند به پایان می‌رسد. ستار نیز که برخلاف دستورالعمل‌های حزب توده هم‌پای گل‌محمد جنگیده بود، کشته می‌شود.

آه‌ی حصر وراثت

خانم بتول عباسی به شماره شناسنامه ۵۱۰۱۱۱۷۳۳ مطابق دادخواست تقدیمی به کلاسه ۳۷/۷۹۶زاین شعبه درخواست گواهی حصر وراثت نموده وچین توضح داده که شادروان محمد کریم عباسی به شماره شناسنامه ۵۷۷ در تاریخ ۹۴/۵/۹افتتاحه دامنش خود پندرد و زندگی گفته ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر است به ۱-بتول عباسی ، ش ش ۹۸۸۰۱۱۷۳۳۳ ، ت ت ۵۱۰۰ ، ص ص ۱۳۵۵ ، صادره از : ماه نشان ،نسبت :فرزند ۲-اعظم عباسی ،ش ش ۹۸۸ ، ت ت ۱۳۴۴ ، صادره از: زنجان ، نسبت : فرزند ۳-تورسته عباسی ، ش ش ۹۱۲ ، ت ت ۱۳۴۰ ، صادره : ماه نشان ،نسبت : فرزند ۴- زهرا عباسی ،ش ش ۱۲۶۹ ، ت ت ۱۳۴۳ ، صادره :زنجان ، نسبت :فرزند ۵- میاح علی عباسی ، ش ش ۵۰۹۷۵۷۹۴ ، صادره: زنجان ، نسبت: فرزند و مرحوم ورثه دیگری ندارد ایکن با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را با استناد ماده ۳۶۱ امور حبسی در یک نوبت آه‌ی می‌نماید تا هر کس اعتراضی دارد و وسیتمانه از مشرفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آه‌ی طرف یک ماه به دادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد.

۳۹۹۹م.الف/ش-۴۱

شعبه ۶ شورای حل اختلاف شهرستان قدس

دادنامه

پرونده کلاسه ۱۰۱۷۲۰۳۳۰۱۳۳۰۹۹۸۲۱۳۵۰۱۲ شعبه ۱۰۰۴ دادگاه کیفری دو مجتمع قضایی ولیعصر تهران (۱۰۰۴ جزای سابق) تصمصیم نهایی شماره ۹۵۰۹۹۸۲۱۳۵۰۱۳۳۰۹۹۸۲۱۳۵۰۱۲ شعبه ۱۰۰۴ دادگاه کیفری دو مجتمع قضایی فرزند محمدرضا به نشانی تهران اسکندری جنوبی بالاتر از فروشگاه ارتش پ ۲۸۵. منتهم آقای علی کریمی ختاقه فرزند گرشاد به نشانی مجهول المکان. اتهام خیانت در امانت.

رای دادگاه

درخصوص اتهام آقای علی کریمی ختاقه فرزند گرشاد فاقد مشخصات بیشتر برابر کیفرخواست آزاد به لحاظ عدم دسترسی دایر بر خیانت در امانت این شعبه از دادگاه با توجه به محتویات پرونده و اوراق موجود از جمله شکایات بی شائبه شاکعی خصوصی - شهادت شهود- مدارک ارائه شده- عدم حضور منتهم با ارسال لایحه دفاعیه ای بزهکاری نامبرده محرز و مسلم و مستنداً به ماده ۲۷۴ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۷۵ وی را به تحمل حبس یکسال جزایی محکوم می‌نماید. رای دادگاه غیابی محسوب و ظرف مدت بیست روز پس از ابلاغ قابل واخواهی و درمهم دادگاه و سپس ظرف مدت بیست روز قابل تجدیدنظرخواهی در دادگاههای تجدید نظر استان تهران می‌باشد.

قاضی دادگاه کیفری شعبه ۱۰۰۴ دادگاه کیفری دو مجتمع قضایی ولیعصر تهران (۱۰۰۴ جزای سابق) ۳۲۵۵۱م.الف/ش-۱۲۹-د

دادنامه

پرونده کلاسه ۱۳۸۰۱۳۸۰۱۳۸۰۹۹۸۲۱۳۵۰۱۲ شعبه ۱۰۰۲ دادگاه عمومی (جزایی) بخش لواسانات تصمصیم نهایی شماره ۱۰۸۳۶۰۱۳۸۰۹۹۸۲۱۳۵۰۱۲ شعبه ۱۰۰۲ دادگاه کیفری دو مجتمع قضایی آقای احمد لطفی نزاد به نشانی تهران خ شهید سپهبد قرنی بالاتر از چهارراهه طالقانی ۱۰۷ منتهم آقای علی مرادی به نشانی لواسان، اتحاد گلپای هفت ک شقایق ین بست بنفشه روبروی پ ۵ اتهام اشتغال به حرفه کاریایی و مشاوره شغلی بدون پروانه کار گردشکار- شاکعی شکاریت بر علیه مشتکی عنه بالا بموضوع فوق تقدیم داشته که پس از ارجاع به این شعبه و ثبت به کلاسه فوق و تشریفات قانونی در وقت فوق العاده/ مقرر دادگاه به تصدی امضاءکننده زیر تشکیل است و باتوجه به محتویات پرونده ختم رسیدگی/ دادرسی را اعلام و به شرح زیر مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رای دادگاه

درخصوص اتهام آقای علی مرادی رای بکارگیری اتباع یگانه فاقد مجوز اشتغال باتوجه به گزارش بازرس اداره کار و متعاقب آن گزارش اداره کار و احضار منتهم و عدم حضور منتهم و عدم انجام د فاهی که موجبات رفع اتهام وی را فراهم نماید بزه اتسابی به منتهم از نظر دادگاه محرز و مسلم تشخیص داده و هر چند که حسب ماده ۱۸۱ قانون کار مجازات عمل تحمل حبس از نود و یک روز حبس الی یکصد و هشتاد روز می‌باشد ولی باتوجه به ماده ۶۶ از قانون مجازات اسلامی منتهم را محکوم به پرداخت دو میلیون و هفتصد و سی هزار تومان جزای نقدی در حق صندوق دولت بدل از نود و یک روز حبس می‌نماید. رای صادره غیابی و ظرف مدت بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل واخواهی در این شعبه و سپس ظرف مدت بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض و رسیدگی در محاکم محترم تجدیدنظر استان تهران مستنداً به مواد ۴۰۶ و ۴۰۷ و ۴۲۷ و قانون آئین دادرسی کیفری می‌باشد.

۳۴۲۲۳م.الف/ش-۲۲۸-د **رئیس شعبه ۱۰۲ دادگاه عمومی (جزایی) بخش لواسانات**

دادنامه

پرونده کلاسه: ۱۰۱۳۳۰۹۹۸۲۱۳۵۰۱۲ شعبه ۱۰۰۲ دادگاه کیفری دو شهر قدس(۱۰۲جزای سابق) تصمصیم نهایی شماره ۹۵۰۹۹۸۲۱۳۵۰۱۳۳۰۹۹۸۲۱۳۵۰۱۲ شعبه ۱۰۰۴ دادگاه کیفری دو شهر قدس(۱۰۲جزای سابق) سولفان ک حسینیه ک ش مرادی پ ۷ منتهم : آقای مجتبی فتحی به نشانی تهران خ ولیعصر (مع) خیابان دمشق جنب بیمارستان مصطفی خمینی پ ۸۱ اتهام : سرقت کارگاه گردشکار : شاکعی شکاریتی علیه منتهم تقدیم دادگاه نموده که پس از ثبت به کلاسه فوق و جری تشریفات قانونی نتیجتاً ختم دادرسی اعلام و مبادرت به صدور رای می‌نماید .

رای دادگاه

در خصوص موضوع اتهام آقای مجتبی فتحی دایر بر سرقت و تخریب موضوع شکایات آقای مقداد فرج اله وکیفرخواست صادر از سوی دادرسی عمومی و انقلاب شهرستان قدس با عنایت به مجموع اوراق و محتویات پرونده ،دلیل و مدارک موجود خصوصاً شکایت شاکعی و تحقیقات ضابطین قضایی ودادسرا و اظهارات شهود ومطلبین و عدم حضور منتهم جهت دفاع در مرحله دادرسی بزهکاری مشار الیه را در خصوص سرقت محرز بوده لذا مستنداً به ماده ۶۶۷و۶۶۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ رای بر محکومیت نامبرده به تحمل شش ماه حبس و جهت ضربه شلاق و در مال مندرج در کیفرخواست صادره یا مثل یا قیمت معادل آن در صورت تعذر صادر واعلام اما در خصوص تخریب به جهت فقد ادله اثباتی کافی و عدم احراز موضوع با استناد به ماده ۶۶۵ قانون آئین دادرسی کیفری قرار منع تعقیب صادر و اعلام می‌نماید رای صادره غیا بی و ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض در این دادگاه می‌باشد .

۲۷۷م.الف/ش-۳۸-ش **رئیس شعبه ۱۰۲ دادگاه کیفری ۲ دادگستری شهرستان قدس- مرزبان**

دادنامه

پرونده کلاسه: ۱۰۱۳۳۰۹۹۸۲۱۳۵۰۱۲ شعبه ۱۰۰۲ دادگاه کیفری دو شهر قدس(۱۰۲جزای سابق) تصمصیم نهایی شماره ۹۵۰۹۹۸۲۱۳۵۰۱۳۳۰۹۹۸۲۱۳۵۰۱۲ شعبه ۱۰۰۴ دادگاه کیفری دو شهر قدس(۱۰۲جزای سابق) همدان -سایر سخ سمدی -کوچه لطفیان-کوچه رضایی پلاک ۱۳۷-۷ منتهمین : ۱. آقای محمد رضایی ۲.آقای مهدی رضایی هنگامی به نشانی هفت جوی اتهام: ضرب و جرح عمدی گردشکار: شاکعی شکاریتی علیه منتهم تقدیم دادگاه نموده که پس از ثبت به کلاسه فوق و جری تشریفات قانونی نتیجتاً ختم دادرسی اعلام و مبادرت به صدور رای می‌نماید .

رای دادگاه

در خصوص موضوع اتهام آقای محمد ومهدی هر دو به شهرت رضایی دایر بر مشارکت در ضرب و جرح عمدی موضوع شکایت آقای آرش عبدالی فر وکیفرخواست صادره از سوی دادرسی عمومی و انقلاب شهرستان قدس با عنایت به مجموع اوراق و محتویات پرونده ،دلیل و مدارک موجود خصوصاً شکایت شاکعی و گزارش و تحقیقات ضابطین و دادسرا و اظهارات شهود و مطلبین و گواهی پزشکی قانونی ومتواری بودن منتهمین بزهکاری مشار الیه را محرز دانسته لذا مستنداً به مواد ۴۴۹و۴۴۸ وبتد الف ماده ۴۸۸ وماده ۷۰۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ رای بر محکومیت نامبردگان به پرداخت با السویه دو درصد دیه کامل بابت جرح دامیه سر در حق شاکعی صادر و اعلام می‌نماید رای صادره غیا بی و ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض در این دادگاه می‌باشد .

۲۷۸م.الف/ش-۳۹-ش **رئیس شعبه ۱۰۲ دادگاه کیفری ۲ دادگستری شهرستان قدس- مرزبان**

دادنامه

پرونده کلاسه ۱۰۱۳۳۰۹۹۸۲۱۳۵۰۱۲ شعبه ۱۰۰۲ دادگاه کیفری دو مجتمع قضایی شهید قدوسی تهران (۱۰۲ جزای سابق) تصمصیم نهایی شماره منتهم آقای امیر سیر فرزند نادر به نشانی مجهول المکان. اتهام ها ۱. تولید، ارسال، توزیع و انتشار آثار مستهجن و مبتذل بوسیله سیستم های رایانه ای و مخایرانی ۲. ترفیع، تطمیع یا تهدید افراد جهت دستیابی به محتویات مستهجن یا تنهیل آن. گردشکار دادگاه با استنمات از خداوند تبارک و تعالی و باتوجه به مستندات و مدارک پرونده مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رای دادگاه

درخصوص اتهام آقای امیر سیر دایر انتشار تصاویر و فیلم مستهجن و ترفیع دیگران بمنظور دستیابی به آنها با عنایت به محتویات پرونده اعلام جرم معاون قضایی دادستان کل کشور، و مدارک و مستندات ابرازی و اینکه سایت میهن مو وی تحت مدیریت منتهم با انتشار محتوای و تصاویر مستهجن، افراد را به دسترسی به تصاویر و فیلم های مذکور ترغیب و تحریک نموده است. لذا با التفات به کیفرخواست صادره از دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۳۱ تهران و سایر قرائن و امارات موجود در پرونده دادگاه بزهکاری وی را محرز و مسلم دانسته مستنداً به مواد ۷۴۲- و بند الف ماده ۷۴۳ قانون تعزیرات (فصل جرائم رایانه ای) و با رعایت ماده ۱۳۱ قانون مجازات اسلامی منتهم موصوف را به تحمل دو سال تعزیری محکوم می‌نماید. رای صادره غیابی ظرف مدت بیست روز قابل واخواهی سپس ظرف مهلت مذکور قابل تجدیدنظر در محاکم تجدیدنظر استان تهران می‌باشد.

۳۴۲۲۳م.الف/ش-۲۲۳-د **رئیس شعبه ۱۰۲۷ دادگاه کیفری دو مجتمع قضایی شهید قدوسی تهران (۱۰۲۷ جزای سابق)**

نازها منتظر

«جوینده طلا» منتشر شد

ترجمه رمان تازه‌ای از ژان‌ماری گوستاو لوکلزیو به فارسی به قلم پرویز شهیدی منتشر شد.

به گزارش ایسنا، این رمان که «جوینده طلا» نام دارد یکی از آثار مشهور این نویسنده فرانسوی برنده نوبل ادبیات است. رمان در سال‌های ابتدایی قرن در مناطق حاره‌ای و مستعمرات فرانسه می‌گذرد. روایت نوجوانی است که با دیدن فضای دریا و جنگل رویابافی می‌کند اما ورشکستگی دردناک پدرش او را از آن دنیای خیالی خارج می‌کند. در ادامه پدر از نقشه گنج یک دزد دریایی سخن می‌گوید که در جزیره‌ای دورافتاده در حوالی استرالیا مدفون است و یافتن این گنج تمام هدف پسر می‌شود. لوکلزیو به خاطر علاقه‌اش به فضاهای گرم‌سیر و مردمان بومی بسیار مشهور است. او سال‌های زیادی از عمرش را در سفر گذرانده است و بسیاری از این سال‌ها را در مکزیک زندگی کرده. او از در ایران چند رمان به فارسی ترجمه شده است. همچنین کتاب مطرح او درباره زوج نقاش مکزیک‌ی یعنی «فریدا کالو» و «دیگو بورا» چندی پیش منتشر شد.

زنگ ادبیان

دیدگاه سیامک گلشیری درباره جشن امضا



سیامک گلشیری موافق برگزاری جشن امضاست و می‌گوید کاری است که می‌تواند لاقل برای یک هفته هم که شده، دل نویسنده را خوش کند.

این نویسنده و مترجم در یادداشتی که در اختیار ایسنا گذاشته، درباره ارزیابی‌اش از برگزاری جشن امضا و مراسم رونمایی کتاب نوشته است: به گمان من هر طرح یا هر چیزی که در این وضعیت باعث شود مردم به کتاب نزدیک شوند، می‌تواند مؤثر باشد، هرچند بسیار اندک باشد. ما داریم در شرایطی روزگار می‌گذرانیم که تعداد مجلات ادبی خیلی خیلی کم است. نمی‌دانم چندتا از همان‌ها هم که منتشر می‌شوند، خوانده می‌شوند. احتمالاً فقط یکی دو تا از آن‌ها تیراژ نسبتاً بالایی دارند. همین تعداد مجله هم که گفتیم، نمی‌توانند به این حجم از کتاب‌هایی که منتشر می‌شوند، بپردازند. کسانی باید باشند تا تک تک این کتاب‌ها را بخوانند و معرفی‌شان کنند. اما هم بحث وقت مطرح است و هم بحث هزینه. ما هنوز وارد عصر منتقدان حرفه‌ای نشده‌ایم، دلیلش هم این است که وقتی هنوز رمان تیراژ بالایی ندارد، آن‌وقت معلوم است که منتقدان حرفه‌ای و جدی به‌وجود نخواهند آمد. به گمان من، در این وضعیت اسف‌بار که هیچ جایی برای معرفی خیلی از کتاب‌ها وجود ندارد، این تنها کاری است که از عهده ناشر برمی‌آید. جشن امضا یک کار کوچک و خوب است. کاری است که می‌تواند لاقل برای یک هفته هم که شده، دل نویسنده را خوش کند که چهار نفر کارش را دیده‌اند. هرچند باید برای روزهای دیگر که هیچ جشن امضایی وجود ندارد، فکری بکنند.



گلستان مصفریان:

اهل ادبیات هستیم اما اهل تفیل نه

گلستان جعفریان می‌گوید کتاب‌هایم تاریخ شفاهی نیست و هرگز هم به دنبال تاریخ شفاهی نبوده‌ام چون من علاقه‌ام به ادبیات است ولی با صداقت می‌گویم که یک خط از این کتاب حاصل تفیل من نیست.

به گزارش مهر، انتشارات سوروه مهر همزمان با چهارمین روز از نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران میزبان نشست با موضوع نقد و بررسی آثار گلستان جعفریان بود.

در ابتدای این نشست بحث‌قبادی با اشاره به اینکه خانم جعفریان سه کتاب «او نگاهش را به ارت گذاشت»، «همه سیزده سالگی‌ام» و «روزهای بی‌آیین» را با سه رویکرد متفاوت اما در حوزه ادبیات و نه تاریخ شفاهی نوشته است، عنوان کرد: می‌شود درباره موضوع ادبیات پایداری دسته بندی صورت داد، یک دسته روایت کسانی است که در جنگ حضور دارند و بعد از برگشتن از جنگ یا خودشان قلم به دست گرفته‌اند و خاطراتشان را می‌نویسند، یا مثل کتاب «همه سیزده سالگی‌ام» راوی خاطراتش را بیان می‌کند و نویسنده می‌نویسد. اما دسته دوم کسانی هستند که به طور مستقیم در جنگ حضور ندارند مثل خاطرات همسران شهید و رزمند. کتاب «روزهای بی‌آیین» در این دسته قرار می‌گیرد. خانم لشکری به صورت غیرمستقیم درگیر جنگ می‌شوند و به نوعی جنگ روی سرشان آوار می‌شود. در این کتاب ما با خانمی مواجه هستیم که با بقیه خانم ها درگیر جنگ فرق دارد. نوع نگرش خانم لشکری با نوع نگرش خانمی که پذیرفته ممکن است همسرش شهید و یا جانباز و اسیر شود فرق دارد.

قبادی افزود: در کتاب روزهای بی‌آیین هم روی و هم نویسنده این کتاب هستند و شناسی که این کتاب آورده همین است که ما با یک روایت و نگارش زنانه مواجه هستیم که کار را به سمت احساسی بودن پیش برده است. البته اگر یک نویسنده مرد در کنار خانم جعفریان کار مصاحبه با خانم لشکری را صورت می‌داد از منظر تاریخی کار دیگری می‌شد.

گلستان جعفریان هم در ادامه این نشست عنوان کرد: من با شجاعت اعلام می‌کنم که کتاب‌هایم تاریخ شفاهی نیست و هرگز هم به دنبال تاریخ شفاهی نبوده‌ام چون من علاقه‌ام به ادبیات است ولی با صداقت می‌گویم که یک خط از این کتاب حاصل تفیل من نیست و کتاب واقعیت محض است. من از همان ابتدا به دنبال ساختار بودم و یک سال زمان برد تا به ساختاری که اکنون کتاب دارد برسم.